

مقاله پژوهشی

جایگاه تجارت برنج شمال ایران در مناسبات تجاری با روسیه از مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول با تکیه بر اسناد آرشیوی

باقر علی عادل فر^{*}، علیه جوانمردی

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین-ایران؛ دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین-ایران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۹/۰۹/۰۵) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۰۱/۳۰)

The Position of The Iranian Rice Trade in Trade Relatin with Russia from The Constution to the End of the world War I Relyng on Archival Documents

Bagher-Ali Adelfar, Alie Javanmardi

Associate Prof of History, Imam Khomeini International University, Qazvin-Iran
Phd Student of History in Islamic Iran, Imam Khomeini International University, Qazvin-Iran

Received: (2020 /11 /25)

Accepted: (2021 /04 /19)

Abstract

The Caspian Sea gradually experienced a new position in the Qajar era. The signing of the Turkmenchay Agreement and its commercial annexation further strengthened the position of Russian businessmen in Iran. After concluding a contract and following the actions of the Russians, much security and commercial development was established in the Caspian Sea. Iran's rich resources of agricultural products including rice led to attracted the attention of Russia. The main question is what is the position of northern rice in trade between Iran and Russia in this period? And what was the importance of the rice trade in the economic relations between Iran and Russia? Therefore, this research seeks to elucidate the position of rice trade in the northern regions of Iran in Iran-Russia trade relations during of the Qajar period according to library references and archival documents. Our research findings show due to Russia's proximity to Iran and the existence of the Caspian Sea waterway and the need of both countries for each other's products and materials have led to the development of trade between Iran and Russia. One of the trade items of Iran that had a good position in the trade relations between Iran and Russia was rice. At first, it was sufficient for internal consumption, but after the disease found in silkworms, the production of this product multiplied and replaced with silk. Although trade in this product fluctuated during times such as the famine and the October Revolution in Russia, as well as World War I, but the trade in this product continued.

Keywords: Iran, Russia, Qajar, trade, northern rice.

چکیده

از دوره قاجار دریای خزر به تدریج موقعیت جدیدی را تجربه کرد. انعقاد قرارداد ترکمنچای و ضمیمه تجاری این قرارداد بیش از پیش جایگاه تجار روس را در ایران مستحکم کرد. بعد از انعقاد قرارداد و به دنبال اقدامات روس‌ها، امنیت و توسعه تجاری زیادی در دریای خزر برقرار شد. ذخایر غنی محصولات کشاورزی ایران از جمله برنج باعث توجه ویژه روسیه شد. پرسش اصلی این است که جایگاه برنج شمال در تجارت بین ایران و روسیه در بازه زمانی مورد بررسی به چه صورت است؟ و تجارت برنج چه اهمیتی در روابط اقتصادی ایران و روسیه داشت؟ پژوهش حاضر، با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی، در صدد تبیین جایگاه تجارت برنج مناطق شمالی ایران در مناسبات تجاری ایران و روسیه در دوره قاجار با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد آرشیوی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نزدیکی روسیه به ایران و وجود راه آبی دریای خزر و نیاز هر دو کشور به محصولات و مواد یکدیگر باعث توسعه تجارت مابین هر دو شده است. از اقلام تجاری ایران که در مناسبات بازرگانی ایران و روسیه جایگاه خوبی داشت، برنج بود که در ابتدا کفاف مصرف داخلی را می‌داد اما بعد از بیماری که در کرم‌های ابریشم پیدا شد، تولید این محصول چند برابر و جایگزین ابریشم شد. اگرچه تجارت این محصول در زمان‌هایی مثل قحطی و انقلاب اکتبر روسیه و نیز جنگ جهانی اول دچار نوساناتی شد اما فروش این محصول همچنان ادامه داشت.

کلیدواژه‌ها: ایران، روسیه، قاجار، تجارت، برنج شمال.

* Corresponding Author: badelfar@yahoo.com
Javanmardi.alie@yahoo.com

* نویسنده مسئول: باقر علی عادل فر

۱. مقدمه

از عهد صفویه، به خصوص از اواخر آن، در تجارت دریای خزر به ویژه میان ایران و روسیه تحول عمیقی ایجاد شد. البته پیش از این دوره، فعالیت بازرگانی مابین دو کشور هرچند محدود وجود داشت. در دوره نادرشاه نیز در ناوگان دریایی ایران، به خصوص دریای خزر، تحول بزرگ هرچند مقطعی مشاهده می شود. با روی کار آمدن قاجاریان روابط ایران و روسیه از طریق دریای خزر وارد مرحله نوینی شد. دوره قاجار از جمله ادوار مهم و تعیین کننده، از نظر اقتصاد و تجارت بود؛ در این دوره روابط ایران با کشورهای اروپایی، به ویژه فرانسه، انگلیس و روسیه، افزایش یافت.

ایران از دوره قاجار به دلیل موقعیت استراتژیکی همواره مورد توجه کشورهای مختلف از جمله روسیه قرار داشت. رقابت این کشورها در تهیه مواد خام و همچنین یافتن بازار برای فروش کالاهای خود از دلایل توجه به ایران و همچنین باعث گرفتن امتیازات بزرگ اقتصادی از ایران بود. در ابتدا روسیه از نظر اقتصادی و صنعتی نسبت به انگلیس و فرانسه در موقعیت پایین تری بود اما با روی کار آمدن پترکبیر بود که این کشور نیز در مسیر توسعه صنعت و اقتصاد پای گذاشت. همسایگی ایران با روسیه و غنی بودن ایران از لحاظ ذخایر کشاورزی و دامپروری در دوره قاجار باعث توجه روسیه به ایران و در نتیجه نفوذ هرچه بیشتر در ایران شد.

روس ها تا زمان آغامحمدخان نتوانستند بر دریای خزر و مناطق شمالی ایران سلطه یابند اما بعد از آغامحمدخان و روی کار آمدن شاهان دیگر

قاجار و مخصوصاً بعد از عهدنامه ترکمنچای تسلط روزافزونی بر تجارت و اقتصاد پیدا کردند و این تسلط روس ها باعث رشد تجارت در ایران و به ویژه توسعه تجارت مابین دو کشور شد. از طرف دیگر روسیه که در همسایگی ایران بود، نفوذ و تسلط بر ایران را برای رشد اقتصادی و همچنین نفوذ سیاسی ضروری می دانست. بنابراین ضعف پادشاهان ایران به ویژه از دوره صفویه این امکان را هرچه بیشتر برای روسیه و کشورهای دیگر فراهم آورده بود تا به راحتی در تجارت ایران نفوذ نمایند. از جمله حوزه های مهم تجارت دو طرف در زمینه محصولات کشاورزی بود. موقعیت مناسب کشاورزی ایران از لحاظ تولید محصولات کشاورزی چون ابریشم، پشم، پنبه، تریاک، برنج و ... سبب شد ایران از طریق دریای خزر و راه های زمینی دیگر تجارت قابل توجهی با روسیه داشته باشد. برنج یکی از محصولات مهم مناطق شمالی ایران بود که قبل از قاجاریه هم مبادله آن بین روسیه و ایران انجام می شد اما از این دوره به بعد به یک محصول مهم تجاری تبدیل شد که در زمان های مختلف دچار نوسانات زیادی شد. این پژوهش به دنبال واکاوی چگونگی نفوذ روسیه در بازار تجارت برنج ایران و روشن نمودن این بعد از رابطه تجاری ایران و روسیه در دوره قاجار می باشد.

در بررسی پیشینه پژوهش باید گفته شود که مقاله هایی درباره تجارت چوب، پنبه و همچنین ابریشم که محصول مهم ایران در دوره مورد پژوهش است نوشته شده است اما تاکنون پژوهش علمی که درباره تجارت برنج مابین ایران و روسیه باشد انجام نشده است. مقاله های چاپ شده در این

زمینه «پژوهشی در جایگاه شیلات شمال در مناسبات ایران و روسیه با تکیه بر اسناد آرشیوی»، «جایگاه برادران کوسیسی و تئوفیلکتوس در تجارت چوب میان ایران و روسیه در عصر قاجار ب تکیه بر اسناد آرشیوی»، «نگاهی به تجارت پوست میان ایران و روس در عصر قاجار»، «پنبه و تجارت آن در عصر قاجار از راه دریای خزر با تکیه بر اسناد بایگانی»، «ابریشم در عصر قاجار و تجارت آن از راه دریای خزر با تکیه بر اسناد آرشیوی» می‌باشد که همه این پژوهش‌ها از سید رحمان حسنی است. همچنین کتاب‌هایی مانند «گنج شایگان» اثر جمال‌زاده، «تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار» از چارلز عیسوی یا «اقتصاد ایران در قرن ۱۹» اثر احمد سیف که از مهم‌ترین کتاب‌های مرتبط با اقتصاد ایران در دوره قاجار هستند؛ اشاره‌ای کوتاه به برنج و تجارت آن داشته‌اند. حتی کتاب مروین انتنر با نام *روابط بازرگانی روس و ایران (۱۸۲۱-۱۹۱۴)* که به طور مفصل تجارت ایران را با روسیه مورد بحث قرار داده، اهمیت برنج در روابط تجاری ایران و روسیه را مورد توجه قرار نداده است. از این رو پژوهش مورد نظر در صدد روشن نمودن اهمیت تجارت برنج در مناسبات ایران و روسیه با تکیه بر منابع آرشیوی و پر کردن خلأ موجود در این زمینه می‌باشد.

۲. آغاز مناسبات تجاری ایران و روسیه

می‌توان گفت روس‌ها از گذشته‌های دور، به خصوص از زمان پترکبیر— که در صدد دستیابی به آب‌های آزاد بود— (۱۱۰۰ق/ ۱۶۸۹م) به دریای خزر توجه زیادی نشان داده‌اند (لارنس لاکهارت، ۱۳۸۰: ۶۲۴) و عاقبت در عصر قاجار، با انعقاد قرارداد

ترکمنچای به این مهم دست یافتند. روابط تجاری ایران و روسیه در دوره صفویه به صورت پایاپای بین تجار دو کشور انجام می‌شد مثل صادرات پارچه‌های چیت، قالی و دارو که از ایران به روسیه صادر می‌شد (انصاری رنانی و کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۴۴). البته مهم‌ترین محصول صادراتی این زمان ابریشم بود که در کنار سنگ‌های قیمتی و طلا و جواهرآلات به روسیه می‌رفت (کاتف، ۱۳۵۶: ۱۲). بازرگانان روسی هم در آن زمان از راه ولگا و دریای خزر انواع خز، چرم، ماهوت، پارچه‌های کتان، مس، آهن، عاج، خاویار، گندم و... به ایران صادر می‌کردند (کاتف، ۱۳۵۶: ۱۲؛ مفخم پایان، ۱۳۷۵: ۴۰۲).

در دوره‌های بعد روس‌ها نفوذ و تسلطشان را ادامه دادند. در عصر قاجار هرچند تا پیش از جنگ‌های ایران و روس در دوره اول و دوم، کم و بیش تجارت دریایی برقرار بوده، اما در دوران جنگ این تجارت با رکود قابل توجهی مواجه شد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۴۰۷-۴۰۸). پس از شکست ایران در دوره دوم جنگ‌های ایران و روس و عقد قرارداد تجاری ترکمنچای، روابط ایران به خصوص تجارت ایران از طریق دریای خزر وارد مرحله جدیدی شد. آنچه از مفاد ضمیمه تجاری مستفاد می‌شود این است که روس‌ها با توجه به مفاد آن خود را از لحاظ تجاری بیمه کردند و با این کار ابتکار عمل تجارت ایران را در اختیار خود قرار دادند (بینا، ۱۳۴۸: ۲۶۰/۱). بنابراین روشن است که تجار روسی از مزایای این عهدنامه بیشترین بهره را بردند و به دنبال امتیازاتی که روس‌ها در طی عهدنامه ترکمنچای به دست آوردند، بسیاری از بازرگانان ایرانی خود را به تابعیت روسیه درآوردند تا بتوانند از امتیاز عهدنامه مذکور استفاده کنند

(کاظم زاده، ۱۳۷۱: ۱۵۷).

بعد از انعقاد عهدنامه ترکمنچای روس‌ها رفته رفته با ایجاد مؤسسه‌های تجاری سعی داشتند محصولات خام ایران را که برای گرداندن کارخانه‌های این کشور لازم بود به روسیه جذب کنند و در کنار آن اجناس و کالاهای تجاری خود را در ایران به فروش برسانند (تاجبخش، ۱۳۶۲: ۲۶۲)؛ بنابراین در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی مناسبات تجاری ایران و روسیه گسترش زیادی پیدا کرد، به طوری که روس‌ها بیشترین نقش را در صادرات و واردات محصولات و مال‌التجاره به ایران داشتند (انتنر، ۱۳۶۹: ۳۰). بنابر آمار داده شده، تجارت ایران با روسیه از سال ۱۸۳۰م/۱۲۴۵ق، یعنی دو سال بعد از انعقاد عهدنامه ترکمنچای، ۱۰/۹ روبل طلا به بیش از ۹۴/۲ روبل طلا در سال‌های ۱۹۱۴م/۱۳۳۲ق رسید (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۴۱-۱۴۲) که این رقم بالای تجارت ایران با روسیه را بعد از عهدنامه نشان می‌دهد که هر سال روابط تجاری مابین دو کشور رشد قابل توجهی داشته است.

به نظر می‌رسد تا اوایل قرن ۱۴ق بیش از ۵۰ درصد صادرات و واردات ایران با روسیه بوده که طبیعتاً از راه دریای خزر و بنادر آن صورت می‌گرفته است (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۱۱). از دلایل آن به خصوص از دهه ۱۸۷۰م/۱۲۸۶ق می‌توان تحول در کشتیرانی و کشتی‌های تجاری دریای خزر و تأسیس راه‌آهن در ماوراء قفقاز، به ویژه باطوم تفلیس - باکو، در سال ۱۸۷۰م/۱۲۸۶ق به بعد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۲۱۸-۲۱۹) و همچنین تأسیس راه‌آهن در ماوراء خزر در سال ۱۸۸۰م/۱۲۹۸ق که کرزن صادرات و واردات بین ایران و روسیه از سال ۱۸۸۶م تا ۱۸۶۹م را تقریباً سه برابر اعلام می‌کند

(کرزن، ۱۳۸۰: ۲۹۱/۱)، را نام برد. البته می‌توان گفت این توسعه تجارت مابین دو کشور به نفع شرکت‌های حمل‌ونقل دریایی هم بود؛ چنان‌که عبدالحسین خان سپهر از وارد شدن ۴۷۲ فروند کشتی در سال ۱۹۱۰م/۱۳۲۹ق خبر می‌دهد که اقلام تجاری بین دو کشور همسایه را از طریق دریای خزر جابه‌جا می‌کردند (سپهر، ۱۳۸۶: ۱/۳۹۷). بنابراین در نتیجه اقدامات روس‌ها در زمینه ساخت‌وساز راه‌ها، تلاش در جهت ترمیم و بهینه کردن بندر انزلی و ساخت اسکله، تجارت دریایی از طریق دریای خزر گسترش پیدا کرد (کرزن، ۱۳۷۳: ۱/۶۷۶-۶۷۷). مشخص کردن حجم واردات از طریق دریای خزر مشکل و آمار و ارقام مربوط به آن جزئی و مقطعی است. علاوه بر این، بعضی از این اقلام به صورت ترانزیت از اروپا و از طریق روسیه و دریای خزر وارد ایران می‌شد. به هر حال آمارها در مورد واردات به صورت کلی بوده و شامل مرزهای خشکی و دریایی می‌شود (کرزن، ۱۳۷۳: ۲/۶۷۷). در این میان دولت روسیه و بازرگانان این کشور در روابط تجاری ایران در رتبه اول قرار داشتند، به طوری که حدود ۶۳ درصد تجارت ایران در نیمه اول قرن ۱۹م به روسیه تعلق داشته است (تاجبخش، ۱۳۶۲: ۲۶۹). نسبت واردات و صادرات روسیه و ایران هم تقریباً مساوی بود، اگرچه واردات در بعضی موارد بیشتر از صادرات بود (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۹).

سلطه روس‌ها بر تجارت ایران از آنجا مشخص می‌شود که آنها با افزایش نرخ گمرگ بنادر روسیه مانع از ورود اقلام تجاری کشورهای دیگر به ایران شدند و بدین ترتیب برای ورود کالاهای آنها اشکالاتی فراهم کردند تا آنها مجبور شوند از

باز هم بر اساس آمار مربوطه واردات روسیه به ایران دو برابر گردیده است (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۱۲؛ رزاقی، ۱۳۷۱: ۶). مجموع اینها نشان می‌دهد که واردات ایران از روسیه بیشتر از صادرات ایران به روسیه بوده است. اما مدت زمانی هم صادرات ایران به روسیه افزایش یافته بود. البته از آنجایی که بخشی از تجارت ایران با روسیه به شکل قاچاق صورت می‌گرفته است این مسئله به ضرر روسیه تمام می‌شد (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۰۹).

با نگاه به آمار و ارقام صادرات و واردات ایران می‌توان نشان داد که ایران وابستگی زیادی به بازار روسیه داشته است. از یک سو روسیه هم در توسعه تجارت با ایران حتی به قیمت لطمه زدن با روابط با سایر کشورها تلاش می‌کرد و از سوی دیگر، بنا به گفته انتنر، تلاش روسیه برای رشد تجارت در ایران به منظور مقاصد سیاسی بوده و در کل می‌توان گفت تجارت وسیله و مقیاسی سیاسی بوده است. هر بازرگان یا کالای روسی نشانه وجود یک کنسولگری برای دفاع و پشتیبانی از آن بود (انتنر، ۱۳۶۹: ۱۱۰-۱۱۱). البته با بررسی اسناد و مدارک موجود نمی‌توان گفت روسیه در روابط تجاری خود با ایران تنها به دنبال اهداف سیاسی بوده است؛ بلکه صادرات و واردات بین دو کشور، مخصوصاً صادرات ایران به این کشور، گویای نیازمندی روسیه به اقلام تجاری ایران به ویژه مواد کشاورزی مانند پنبه، برنج، میوه و خشکبار است.

۳. برنج و تجارت آن در دوره قاجار

با نگاهی به واردات مهم ایران در دوره قاجار، درمی‌یابیم که ایران از نظر محصولات کشاورزی تقریباً خودکفا بوده و به غیر از چای و مقدار کمی

تجارت با ایران صرف نظر کنند. از سوی دیگر دولت روسیه به آسانی اقلام تجاری خود را هم از طریق دریای خزر و هم از خشکی به مرز ایران می‌رساند؛ در صورتی که این تسهیلات برای کشورهای دیگر فراهم نبود (تاجبخش، ۱۳۶۲: ۲۶۹). تأسیس شرکت حمل و نقل توسط روس‌ها که ایران حمل و نقل کالاهای تجاری خود را به روسیه واگذار کرده بود، بدون شک در رشد تجارت دو طرف تأثیرگذار بود (انتنر، ۱۳۶۹: ۹۴-۹۵؛ لیتن، ۱۳۶۷: ۱۰۰-۱۰۲). زیرا ایجاد این شرکت باعث تسریع در ارسال و دریافت کالاهای هر دو کشور و سود قابل توجه برای آنها و مخصوصاً روسیه بود (انصاری رنانی و کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۷۳-۱۷۴).

در مجموع می‌توان گفت تجارت از طریق دریای خزر، از زمان ناصرالدین شاه به بعد همواره روبه رشد و تا شروع جنگ جهانی اول رو به ترقی بود. در پاره‌ای موارد که آن هم مقطعی بوده، بر تجارت دریای خزر صدمه وارد شد. به عنوان نمونه می‌توان حذف عدم پرداخت گمرکی در سال ۱۸۸۳م / ۱۳۰۱ق در مورد کالاهای ترانزیتی و بحران‌های ناشی از انقلاب مشروطه در ایران را نام برد که موجب بسته شدن راه ترانزیت قفقاز در این سال شد و برای مدت کوتاهی بر تجارت لطمه زد به طوری که از میزان رفت و آمدها کاست (عیسوی، ۱۳۶۹: ۲۴۶).

سهام روسیه در واردات ایران، بعد از تعرفه گمرکی ۱۹۳۰م / ۱۳۲۱ق، ۴۵ تا ۵۰ درصد بوده که به ۶۰ درصد تا پیش از جنگ جهانی اول رسید. واردات ایران از روسیه بین سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰م (۱۳۰۸-۱۳۱۸ق) طبق آمار روسی دو برابر شده بود. از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۳م (۱۳۱۸-۱۳۳۲ق)

کاشت برنج است، در مناطق جنوبی مانند کرمان، فارس و اصفهان، لرستان، خوزستان، آذربایجان، استرآباد، زهاب در غرب کرمانشاه هم کشت برنج انجام می‌شد. البته جکسن هم در سفرنامه‌اش برنج را از جمله محصولات معرفی می‌کند که در ارومیه می‌روید (جکسن، ۱۳۸۷: ۱۰۹) اما نه تفاوت روش‌ها و ابزار تولید در این مناطق بلکه شرایط اقلیمی مناسب‌تر مناطق شمالی ایران و نزدیکی به بازارهای روسیه باعث بازدهی بیشتر این محصول در شمال ایران بود (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۲۱؛ سیف، ۱۳۷۳: ۵۳) مجموع این عوامل نشان می‌دهد که بیشتر صادرات برنج ایران به روسیه از مناطق شمالی ایران بوده و مناطق جنوبی بیشتر در حد مصارف خود تولید برنج داشتند.

صادرات و درآمد ایران از فروش برنج به شدت به بازار روسیه وابسته بود؛ چنان‌که احمد سیف به نقل از چرچیل بیان می‌کند که در سال ۱۸۹۳م ترس عجیبی بازار رشت را فرا گرفته بود زیرا قیمت برنج ۳۰ درصد کاهش پیدا کرده بود و دلیل آن را کم کردن عوارض برنج وارد شده از هندوستان اعلام می‌کند که همین باعث شده بود واردات از هندوستان افزایش پیدا کند و به بازار ایران کمتر توجه شود. از سوی دیگر به دلیل نبود راه و امکانات ارتباطی، برنج گیلان غیر از بازار باکو به بازارهای دیگر دسترسی نداشت و همین ترس برنج‌کاران و تجار را به همراه داشت (سیف، ۱۳۷۳: ۳۳۵-۳۳۴). یکی دیگر از دلایل وابستگی ایران به بازار روسیه، نبود یک بازار منسجم در داخل ایران بود که بتواند تولید و قیمت‌ها و صادرات برنج را زیر نظر بگیرد. به طوری که وقتی تولید انبوه بود؛ در بازار جهانی و طبیعتاً در بقیه نقاط

آرد گندم هیچ گونه محصول کشاورزی به ایران وارد نمی‌شده است. بالطبع برنج نیز به دلیل وجود اراضی حاصلخیز، نه تنها کفاف مصرف داخلی را می‌داد بلکه مقدار قابل توجهی نیز به خارج کشور صادر می‌شد. مشتری اصلی برنج هم، مانند اکثر تولیدات ایران، روسیه بود (انصاری رنانی — کرمانی، ۱۳۸۰: ۳۵۲). رابینو که در اواخر دوره قاجار کنسول انگلیس در رشت بود، در کتابش به صادرات شهرهایی چون لنگرود، بندر حسن کیاده و دیگر شهرهای گیلان به روسیه اشاره می‌کند که مهم‌ترین آن برنج بوده که در مقابل دیگر صادرات گیلان سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است (رابینو، ۱۳۵۷: ۳۰۲ و ۴۴۹).

باید به این توجه داشت برنج از گذشته‌های دور، از جمله محصولات کشاورزی مهم مناطق شمالی ایران بود که ارزش صادراتی داشت. این محصول، در کنار چای و توتون و ابریشم، از مهم‌ترین فرآورده‌های این مناطق بوده است (فومنی‌گیلانی، بی‌تا: ۱۸). شرایط آب و هوایی مناسب عامل رشد این محصول بود و مهم‌ترین ایالتی که نقش مهمی در تجارت برنج داشت، گیلان بود چنان‌که بوهرلر در این مورد، گیلان را مملکت پرمنفعتی می‌داند که دارای محصولاتی چون ماهی، ابریشم و برنج است و به دلیل نزدیکی به تهران آن را مهم‌تر از ایالات شمالی معرفی می‌کند (بوهرلر، ۱۳۸۹: ۲۸). بنابر گفته پولاک، در اوایل حکومت ناصرالدین شاه کشاورزان این مناطق برنج مازاد بر مصرف خود را می‌فروختند و تجار به دلیل نزدیکی به روسیه حجم زیادی از آن را به این کشور صادر می‌کردند (ادوارد پولاک، ۱۳۶۸: ۳۵۹).

علاوه بر گیلان که از ایالت‌های ثروتمند درزمینه

سال ۱۸۶۵م محصول سالانه برنج حدود ۱۲۰۰۰۰۰۰ من، یعنی حدود ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ پوند بود که در سال ۱۸۷۲م حدود ۳۰۰۰۰۰۰۰ من (۳۹۲۵۰۰۰۰۰ پوند) می‌شود (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۷۳).

مجموع این آمار نشان می‌دهد که به دلیل رشد کشت برنج، امکان صادر کردن این محصول فراهم شد و بعد از رونق صادرات برنج، تقریباً کل صادرات برنج ایران به روسیه بود و فقط قسمت خیلی کمی از آن به عثمانی و انگلستان صادر می‌شد. جدول زیر آماری است از صادرات برنج به روسیه که توسط جمال‌زاده آورده شده است (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۲۴):

سال	کلیه صادرات	صادرات به روسیه
قوی نیل ۱۳۲۵-۱۳۲۶	۲۴۰۰۰۴۳۸ (قران)	۲۳۷۷۰۷۶۰ (قران)
پیچی نیل ۱۳۲۶-۱۳۲۷	۲۸۷۵۴۰۷۶	۲۸۴۹۴۷۰۶
خاقوی نیل ۱۳۲۷-۱۳۲۸	۲۴۳۱۵۱۷۷	۲۴۱۱۵۰۳۱
ایت ایل ۱۳۲۸-۱۳۲۹	۲۹۲۱۰۴۱۷	۲۹۱۰۳۴۷۶

جدول ۱- صادرات برنج به روسیه

شایان ذکر است که گیلان تا قبل از این وقایع به دلیل کشت ابریشم، برنج را از شهرهای دیگر وارد می‌کرد و حتی به اندازه جمعیت خود برنج نداشت و بنا به گزارش فرانسویس مکنزی که در سال ۱۸۵۸م / ۱۲۷۴ق به مناطق شمال ایران سفر کرده بود، زمین‌های آنها پر بود از درخت‌های توت و برای به عمل آوردن برنج باید این درخت‌ها را قطع می‌کردند تا بتوانند برنج بکارند. او بیان می‌کند که در این زمان صدور برنج به گیلان از سوی دولت منع شده بود و همین باعث قحطی در این

کشور قیمت‌ها افت می‌کرد. بنابراین صاحبان این فرآورده چاره‌ای نداشتند و به هر قیمتی که برایشان ممکن بود آن را نقد می‌کردند. همچنین در ایران صادرات وقتی صورت می‌گرفت که مازاد محصول وجود داشت و وقتی وضع محصول نامساعد بود صادرات کاهش پیدا می‌کرد و قیمت‌ها هم به دلیل کمبود بالا می‌رفت.

با این اوصاف، محصولات ایران در بازارهای روسیه دارای موقعیت مسلطی نبود. به این ترتیب وقتی قیمت‌ها در ایران بالا می‌رفت روسیه به راحتی می‌توانست بدون صادرات ایران زندگی اقتصادی خود را ادامه دهد بدون اینکه به دلیل نبودن محصولات ایران گرفتار کمبود یا مشکلات ناشی از آن بشود، در حالی که توقف محصولات وارده از روسیه به ایران اوضاع اقتصادی ایران را به هم می‌ریخت (سیف، ۱۳۷۳: ۳۳۵-۳۳۶).

در زمان‌های متمادی محصول عمده مازندران برنج و محصول مهم گیلان ابریشم بود. تا سال ۱۸۶۴م ابریشم مهم‌ترین کالای صادراتی بود اما به دلیل نوعی بیماری در کرم‌های ابریشم، تولید ابریشم تا سال ۱۸۶۹م به یک پنجم کاهش یافت (رنه دالمانی، ۱۳۷۸/۱: ۱۰۴)؛ همین امر باعث شد کشت برنج، تنباکو و چای در گیلان رونق یافت و تولید برنج گوی سبقت را از مازندران ربود و گیلان به عنوان مهم‌ترین تولیدکننده برنج درآمد و این محصول به زودی به مهم‌ترین محصول صادراتی به روسیه تبدیل شد و محصول برنج گیلان نسبت به قبل در طی مدت زمان کم به سه برابر رسید (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۷۳؛ عظیمی دوبخشری، ۱۳۸۱: ۹۸؛ سیف، ۱۳۷۳: ۹۰). عیسوی به نقل از ابوت، کنسول بریتانیا در تهران و تبریز، بیان می‌کند که در

منظور هدر نرفتن آب، پرورش اراضی با استفاده از کود و به کار بردن ماشین‌های ساخت غرب در آسیاب کردن برنج. شاید اگر این اصلاحات به صورت اساسی انجام می‌گرفت مقدار بازدهی این محصول خیلی بیشتر می‌شد (جمال‌زاده، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۵). در مدت این دوره، بر اساس شواهد و اسناد موجود، هیچ نوع ابتکار و تحولی در کشت برنج به وجود نیامد. همچنین در ترتیب مالکیت زمین هم که مناصف‌ه بود و مزد دهقان نیمی از محصول بود، تغییری به وجود نیامد (عیسوی، ۱۳۶۹: ۳۷۲).

بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، تجارت ایران با این کشور با رکود قابل توجهی مواجه شد. تجارت برنج نمی‌توانستند بازاری در روسیه پیدا کنند؛ و از طرف دیگر، به دلیل دوری راه نمی‌توانستند در بازارهای هندوستان، مقدونیه و جمهوری‌های قفقاز جای خود را باز کنند. همچنین به دلیل ناامنی موجود در ترکیه نمی‌توانستند از طریق داردانل به بازارهای اروپا دست یابند (رشیدی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). بنابراین صادرات برنج ایران، با توجه به جنبه‌های گوناگون تجارت این محصول، تنها به روسیه اقتصادی و به صرفه و امکان‌پذیر بود. همچنین با شروع جنگ جهانی ایران نیز توانایی صادرات این محصول را به روسیه نداشت. چنان‌که در اوایل جنگ جهانی اول به دلیل کمبود مواد غذایی و از جمله برنج، هشدار از سوی کنسول ایران در بادکوبه، مبنی بر صادرات بی‌رویه برنج به روسیه داده شد. آنها خواستار تصمیمی اصولی از سوی وزارتخانه‌های مالیه و فواید عامه و تجارت به دلیل احتمال بروز کمیابی برنج در کشور شدند (استادوخ، ۱۳۳۳/۳۰/۱، ق، ۱۴).

ولایت شده بود و دلیل آن قانون منع صدور برنج به روسیه از طرف دولت بود (فرانسیس مکزی، ۱۳۵۹: ۷۶-۷۷).

باید توجه داشت در مواردی به دلیل کمبود برنج در ایران، صادرات به روسیه منع می‌شد چنان‌که در سال ۱۳۳۰ ق دولت تجار را از صدور برنج به روسیه، به واسطه کمبود برنج و در سختی افتادن مردم، منع کرد و به آنها فرصت دادند تا برنج‌های خریداری شده خود را تا ۲۵ ربیع الاول به روسیه حمل کنند و بعد از آن اجازه خروج برنج ایران داده نمی‌شد و حمل برنج به خارج به کلی ممنوع شد (استادوخ، ۱۳۳۰/۴۲/۳، ق، برگ ۲۰؛ استادوخ، ۱۳۱۱/۲۳/۱۱). البته این تصمیم دولت باعث خسارت به تجار روس شد و در نتیجه موجبات اعتراض آنها را فراهم آورد. همین باعث فرستادن تلگرافی از استرآباد به وزارت داخله شد که در آن اعتراض تجار روس را منعکس می‌کرد (استادوخ، ۱۳۳۰/۴۲/۳، ق، برگ ۳۱).

در تمام مناطق جنوبی دریای خزر، به دلیل حاصلخیزی خاک، برنج از پر بازده‌ترین محصولات به شمار می‌رفت. به طوری که زمین‌های آنها ۳۰ تا ۸۰ برابر بازده داشت. اما به دلیل استفاده از روش‌های قدیمی پوست کندن سبوس برنج که با لگد کردن توسط اسب جدا می‌شد، بیشتر از یک سوم آن تلف می‌شد. بنابراین برآورد معمول به طور عموم بسیار کمتر از متوسط نرخ بازدهی محصول بود (ابوت، ۱۳۹۶: ۸۲). برنج‌کاری در ایران در این زمان از روی قوانین و اصول هزار سال پیش بود و محتاج به اصلاحات اساسی بود که جمال‌زاده برخی از این اصلاحات را عنوان می‌کند از جمله آبیاری مناسب و مسطح کردن زمین به

۴. اهمیت تجارت برنج بین ایران و روسیه

چنانچه گفته شد، برنج از اقلام مهم تجاری مابین ایران و روسیه بود. روسیه از برنج، به دلیل نوع رژیم غذایی، کمتر از مواد غذایی دیگر استفاده می‌کرد اما همواره در تلاش برای واردات این محصول به کشورش بود که شاید یکی از دلایل اصلی این تقاضا مبادلات کالا مابین طرفین بود چون روسیه از ایران برنج می‌خرید و در عوض آن، کالاهای دیگر خود مثل قند و چای را به فروش می‌رسانید و نوعی مبادله کالا به کالا بود. چنان‌که در سال ۱۳۲۷ق، وقتی عوارض گمرکی برنج هند پس از تلاش‌های انگلیس کاهش پیدا کرد موجب اعتراض تجار روسیه شد و تجار روسیه به خاطر اینکه به تجارت برنج ایران خللی وارد نیاید و بتوانند مال‌التجاره خود را در عوض برنج به ایران حمل کنند مانع این کار شدند. بنابراین چنان‌که مشخص است هر قدر دولت روسیه بخواهد از گمرک برنج هند بکاهد در مقابل تجارت روسیه ضرر خواهد دید. زیرا هزینه گمرکی کم، باعث ورود برنج هندوستان به روسیه می‌شد و تجار هند در مقابل برنج فروخته شده پول و طلا به کشور خود می‌بردند ولی تجار ایرانی پول نقد خود را همراه برنج به روسیه آورده و کالا با خود به ایران می‌بردند (استادوخ، ۱۳۲۷/۱۲/۲، ق، ۱۶۵). مجموع این عوامل باعث می‌شد که روسیه خواستار تجارت با ایران باشد تا از این طریق پول و طلا به کشور خود وارد کند نه این که پول از کشور خارج کند.

از سوی دیگر با شنیدن خبر تخفیف دولت روسیه به برنج هندوستان، تجار ایران مقیم بادکوبه نیز به مخالفت برخاسته و خواستار پیگیری موضوع توسط دولت و وزیر تجارت ایران شدند. آنها اعلام

کردند اگر در گمرک برنج هندوستان تخفیف داده شود، اولاً قیمت برنج ایران و مقدار ارسالی آن نصف می‌گردد ثانیاً این مسئله ضرر بسیار زیادی به تجارت ایران و روسیه خواهد زد. بنابراین تجار از دولت درخواست کردند این مسئله را مهم دانسته و برای رفع این ضرر، سریع‌تر مذاکره کند (استادوخ، ۱۳۲۷/۱۲/۲۸، ق، ۵) زیرا چنانچه ورود برنج هندوستان به روسیه ادامه پیدا می‌کرد در سال شش یا هفت کرور ضرر به تجارت برنج ایران وارد می‌آمد (استادوخ، ۱۳۲۷/۱۲/۲۸، ق، ۲). همین باعث شد که محمد علی علاء‌السلطنه، وزیر امور خارجه، تلگرافی در تاریخ ۶ ذی‌الحجه به سفارت ایران در پترزبورگ فرستاد و دستور تحقیق در مورد دفاتر قرارداد تجار روسیه با هندوستان را داد. همچنینخواستار توضیح در مورد کاهش نرخ گمرک محصولات وارده از هند بدهد و اینکه از خسارت وارد آمدن به برنج‌های ایرانی ممانعت به عمل بیاید (استادوخ، ۱۳۲۷/۵۲/۳۵، ق، ۶۳). بعد از گذشت دوهفته، یعنی در تاریخ ۲۱ ذی‌الحجه، علاء‌السلطنه به کارگزاری خارجه رشت اطلاع می‌دهد که در خصوص گمرک برنج در روسیه، بر طبق تلگرافی از سفارت روسیه به وزارت خارجه، تغییری در وضع برنج داده نشده و بعد از این هم تغییری ایجاد نخواهد شد (استادوخ، ۱۳۲۷/۲۵/۱، ق، ۱۷).

در سندی دیگر می‌بینیم ساعداالملک، ژنرال کنسولگری ایران در قفقاز و تفلیس به دولت ایران پیشنهاد کرده که طی مذاکره با روسیه بیان کند که یا برنج ایران هم مانند برنج هندوستان از گمرک معاف شود یا برنج‌های هندوستان بدون گمرک وارد روسیه نشوند؛ در غیر این صورت ضرر

(۱۳۲۹/۶۱/۸، ق، ۹۶).

این ممنوعیت، مخالفت روس‌ها را برانگیخت؛ چون عده‌ای از تجار روس مقدار زیادی برنج پیش خرید کرده بودند که به دنبال این ممنوعیت‌ها از حمل برنج خریداری شده روس‌ها از تنکابن به رشت جلوگیری به عمل می‌آمد پس وزیر مختار روس از دولت ایران درخواست تعیین مهلت سه هفته‌ای برای حمل برنج‌های مزبور به روسیه و متعاقب آن جلوگیری از خسارات وارد شده به تجار روسیه شد (استادوخ، ۱۳۰/۴۲/۳، ق، ۲). از طرف دیگر به دلیل طوفانی بودن دریا، تجار مزبور نمی‌توانستند در این زمان محدود برنج‌های خریداری شده خود را به روسیه انتقال دهند و امکان حمل برنج‌های خریداری شده وجود نداشت؛ بنابراین سفارت روس خواستار تمدید مهلت مقرر شده از ۲۵ ربیع‌الاول به ۲۵ ربیع‌الثانی شد (استادوخ، ۱۳۳۰/۴۲/۳، ق، ۷). به دنبال اعتراض روس‌ها، دولت ایران پذیرفت و یادداشتی از طرف وزارت امور خارجه، یعنی منشورالملک، مبنی بر برطرف شدن ممنوعیت حمل برنج از مازندران به روسیه و این که صادرات برنج از مازندران به روسیه مانعی نداشته و تجار اجازه دارند برنج‌های خریداری شده خود را در مهلت معین شده به روسیه انتقال دهند، به سفارت روس فرستاده شد (استادوخ، ۱۳۳۰/۴۲/۳، ق، ۱۶).

شایان ذکر است، هرچند دولت در بعضی موارد مانع از حمل برنج به روسیه می‌شد اما همچنان پدیده قاچاق وجود داشت و شنیده می‌شد از قلعه‌هایی که نزدیک روسیه بود و از طرف کدخدایان قلاع و همچنین مأمورین دولتی باج گرفته می‌شد تا مانع خروج برنج نشوند و در

بزرگی متوجه تجارت ایران که تقریباً ده میلیون تومان در سال هست می‌شود و سکتۀ کاملی به تجارت ایران وارد خواهد آمد (استادوخ، ۱۳۳۲/۳۰/۳، ق، ۲). همچنین بیان شد که در پی این اقدام منطقه شمال ایران دچار فقر بزرگی می‌شود زیرا ابریشم مثل سال‌های قبل اوضاع خوبی ندارد و در این زمان فقط برنج محصول تجارتهای مهم ایران است که اگر آن هم تنزل پیدا کند اقتصاد این منطقه به شدت متضرر خواهد شد (استادوخ، ۱۳۳۲/۳۰/۳، ق، ۱).

در بعضی مواقع تجارت برنج با مشکل روبه‌رو بود که از جمله آن می‌توان به صادرات زیاد برنج به روسیه، در نتیجه کمبود آن و همچنین بارندگی زیاد و صدماتی که به محصول وارد می‌شد اشاره کرد. چنان‌که در ۱۹ مهر ۱۳۲۹، به واسطۀ کمبود و در نتیجه گرانی برنج که ناشی از صادرات زیاد این محصول به روسیه بود، مردم رشت و انزلی به اعتراض برخاستند. بعضی از اهالی منطقه با وجود گرانی برنج، آن را انبار کرده بودند و می‌خواستند آن را به روسیه حمل کنند که نظمیۀ در بعضی موارد آنها را شناسایی و دستگیر می‌کرد و شلاق می‌زد. زیرا به واسطۀ احتکارهایی که توسط خود اهالی و مهم‌تر از همه تجار می‌شد قیمت برنج زیاد شده بود (استادوخ، ۱۳۲۹/۶۱/۸، ق، ۹۷). به دنبال اعتراض مردم مبنی بر کمبود و گرانی برنج و درخواست آنها جهت ممانعت از حمل برنج به روسیه، از طرف حکومت، امام جمعه و تجار جلسه‌ای تشکیل شد که در نتیجه آن به مردم و تجار اجازه داده شد تا پنج روز دیگر برنج‌های خریداری شده خود را به روسیه منتقل کنند و پس از آن اجازه حمل آن به روسیه را غیرقانونی اعلام کردند (استادوخ،

موقعی همین افراد از بیراهه و بدون تذکره به راحتی محصولات خود از جمله برنج را از ایران خارج می‌کردند. از سوی دیگر مأمورین روسیه هم به دلیل اینکه محصولات مورد نیاز آنها وارد مملکتشان می‌شد، راه را برای آنها باز می‌کردند (استادوخ، ۱۳۳۰/۲۰/۱۲، ۶). مطمئناً این قاچاق کالا برای هردو طرف زیان‌آور بود. اما در بعضی مواقع به واسطه ممنوعیت حمل برنج به روسیه که باعث کمیابی این محصول می‌شد می‌توانست کمک کننده باشد.

۵. وضعیت برنج در میانه جنگ جهانی اول

شروع جنگ جهانی اول و بعد از آن، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و پیامدهای آن اختلالات عمیقی را بر تجارت بین روسیه و ایران وارد کرد. واضح است به دنبال جنگ جهانی قحطی بزرگی ایران را فراگرفت و حضور نیروهای روس و انگلیس باعث کمبود مواد غذایی در ایران شد.

بروز قحطی در این زمان در گیلان را می‌توان به طور کلی ناشی از صادرات انگلیسی‌ها به باکو دانست. چنان‌که محمدقلی مجد اشاره می‌کند، کمبود غذایی زیادی به دلیل وارد نشدن مواد غذایی برای کارگران نفت باکو به انگلیسی‌ها رسیده بود. بنابراین دولت انگلیس تصمیم می‌گیرد که از هرجایی که امکان داشته باشد آذوقه و محصول را خریداری کرده و به باکو ارسال کند. در نتیجه ایران که این زمان آشکارترین منبع آذوقه باکو بود، مورد توجه آنها قرار گرفت. صادرات مواد غذایی توسط انگلیس‌ها به باکو بعد از مدتی قحطی و کمبود برنج را در گیلان به همراه آورد (مجد، ۱۳۸۷، ۱۴۲-۱۴۳).

به دنبال این اوضاع، در میانه جنگ جهانی اول به دلیل قحطی و کمبود آذوقه و در سختی افتادن مردم، حکمی از طرف هیئت دولت ایران در مورد عدم حمل برنج از خاک ایران به روسیه صادر شد. آنها احتمال قحطی بیشتر را می‌دادند و در نتیجه پیشنهاد خرید برنج‌های تجار روس را به قیمت عادلانه، در صورت موافقت آنها ارائه نموده و همچنین اعلام کردند در جهت جلوگیری از خسارت‌های احتمالی وارد شده به تجار، تلاش لازم را انجام دهند (استادوخ، ۱۳۳۵/۶۵/۱۰، ۱۳۱-۱۳۰). به دنبال کمبود ارزاق و اجناس، ممنوعیت صدور برنج و سایر غلات به روسیه اعمال شد. از طرفی کنسولگری ایران در روسیه اعلام نمود که اگر صادرات اجناس و ارزاق بین ایران و روسیه تبادلی باشد، ایرانی‌ها کمتر دچار مشکل می‌شوند (استادوخ، ۱۳۳۵/۶۵/۱۰، ۱۸۰).

به دنبال ممنوعیت حمل برنج به روسیه از سوی ایران، به دلیل کمبود آذوقه، سفارت روسیه معترض شده و اعلام نمود که تجار و اتباع روس برنج فراوانی را از ایران خریده‌اند که در زمان مناسبی بتوانند آن را به روسیه حمل کنند. اما دولت ایران حمل برنج به روسیه را ممنوع کرده و این موجب خسارت زیادی برای تجار شده است (استادوخ، ۱۳۳۵/۶۵/۱۰، ۲۵۱). روسیه از دولت ایران درخواست می‌کند که یا اجازه خروج برنج‌های خریداری شده را بدهند یا اینکه آنها را بخرند. البته سفیر روسیه اظهار می‌کند که این نوع برنج‌ها در ایران مصرف داخلی ندارد و خرید آنها ضرر زیادی را به تجارت ایران وارد می‌کند. بنابراین خواستار انتقال این برنج‌ها به روسیه شد (استادوخ، ۱۳۳۵/۶۵/۱۰، ۱۳۰). مستشارالدوله وزیر امور داخله

کردند. به دنبال شکایات تجار، معین‌الرعا یا به آنها تأکید نمود که تجار مزبور جهت تهیه و ارائه صورت خرید و مخارج حمل برنج‌ها و سایر مخارج تجارتي به منظور احقاق حقشان در این زمینه اقدامات لازم را بنمایند (استادوخ، ۱۳۳۵/۶۵/۱۰، ق، ۲۱۳). همچنین جلسه‌ای به منظور رسیدگی به این مسئله از سوی دولت ایران تشکیل و از طرف اداره ارزاق روسیه نیز مأموری فرستاده شد تا به حقوق تجار در این مورد رسیدگی شود (استادوخ، ۱۳۳۵/۶۵/۱۰، ق، ۲۲۹).

صادرات برنج ایران به روسیه دارای اهمیت زیادی بود به طوری که وزیر مختار روس اظهار کرد که «برنج ایران برای روسیه در حکم نفت و قند روسیه برای ایران است. به همان اندازه که نفت و قند در ایران محتاج الیه است برنج هم در روسیه همان قدر مهم و قابل ملاحظه است» (استادوخ، ۱۳۳۶/۶۵/۳، ق، ۱۲۵). پس از گذشت مدتی از پایان جنگ جهانی اول و اواخر دوره قاجاریه و همچنین به دنبال رونق کشت برنج در ایران، از طرف هیئت دولت اجازه حمل برنج به روسیه و کشورهای دیگر صادر شد. روزنامه اتحاد گزارش می‌دهد که محصول برنج به اندازه‌ای بوده که بتوان آن را صادر کرد و ارزاق عمومی و برنج به اندازه کافی وجود دارد. بنابراین امروز در اداره حکومتی نشست با شرکت تجار و علما برگزار شد و نتیجه آن آزادی حمل برنج به خارج بود (فراهانی، ۱۳۸۵: ۳۰۵/۲؛ روزنامه اتحاد، شماره ۲۲۴، ۳). بنابراین هرچند صادرات برنج به روسیه در دوره‌هایی دچار وقفه شد، اما به دلیل اهمیت آن در تبادلات دو کشور، ما تجارت گسترده این محصول را در طی زمان‌های متمادی مشاهده می‌کنیم.

دستور تشکیل جلسه با حضور نمایندگان و تجار مشهور در این مورد را می‌دهد و خواستار رسیدگی به این ادعای روس‌ها در مورد مقدار برنج خریداری شده و جنس برنج‌ها و میزان مصرف داخلی می‌شود (استادوخ، ۱۳۳۵/۶۵/۱۰، ق، ۲۵۱). با وجود همه این موارد، در سندی از هیئت وزرا در دوم ذی‌القعدة مشاهده می‌شود دستوری صادر شده که طبق پیشنهاد کمیسیون ارزاق به منظور جلوگیری از کمبود برنج و ارزاق و آذوقه هیچ نوع برنجی به روسیه صادر نشود (استادوخ، ۱۳۳۵/۶۵/۱۰، ق، ۱۶۲).

کمیته تفتیش ملی ایران در یادداشتی به اهالی مازندران تأکید کردند که به دلیل در سختی افتادن مردم، امکان اجازه انتقال برنج به روسیه وجود ندارد و تجار خا طی و محترک توسط علما و رؤسای شهر مجازات خواهند شد (استادوخ، ۱۳۳۵/۴۶/۲۰، ق، ۵۵). با این حال، بعضی تجار به درخواست‌های دولت بی‌توجهی کرده و برنج را همچنان به روسیه حمل و یا آن را احتکار می‌کردند. این اقدام تجار، زمینه سرزنش و توبیخ تفتیش کمیته ملی ایران را برای آنها فراهم آورد که در طی یادداشتی تاجران را وطن فروش نامید، زیرا با وجود سختی و فقر مردم باز برنج را به روسیه انتقال می‌دادند (استادوخ، ۱۳۳۵/۴۶/۲۰، ق، ۵۹).

بیشتر برنجی که از رشت به روسیه صادر می‌شد، در بادکوبه گمرک شده و بعد به سایر مناطق روسیه می‌رفت (استادوخ، ۱۳۱۶/۳۵/۰۶، ق، ۴۵) که به دلیل افزایش حق گمرکی از سوی مأموران ارزاق روسیه موجبات اعتراض تجار ایرانی را فراهم آورد. به همین منظور تجار مازندران در خصوص تجاوزات مأمور وزارت ارزاق روسیه نسبت به برنج‌های توقیفی آنها در بادکوبه از دولت شکایت

۶. نتیجه

همسایگی ایران و روسیه به طور طبیعی روابطی دو سویه را برای هردو کشور رقم می‌زد و وجود دریای خزر و راه‌های خشکی متعدد تأثیر زیادی در مناسبات ایران و روسیه به خصوص مناسبات تجاری و اقتصادی داشت. موقعیت و شرایط ایران در زمینه محصولات کشاورزی و در اختیار داشتن محصولات نظیر ابریشم، پنبه، خشکبار، برنج و غیره و در مجموع مواد خام موجب شده بود کشور روسیه برای به دست آوردن مواد خام مورد نیاز در صنایع خود به ایران روی بیاورد. در کل می‌توان گفت مناطق حاصلخیز ولایات شمالی ایران و شرایط و امکانات آنها در زمینه کاشت محصولات کشاورزی، از زمان‌های دور و به خصوص از دوره قاجار، توجه کشورهای مختلف و از جمله روسیه را به این مناطق جلب کرد.

روابط اقتصادی ایران و روسیه بعد از عهدنامه ترکمنچای و ضمیمه تجاری آن، وارد مرحله جدیدی شد و تجارت از این دوره به بعد رشد و توسعه قابل توجهی را تجربه کرد. وابستگی ایران و روسیه دو طرفه بود و هردو کشور به محصولات همدیگر نیاز داشتند، در نتیجه نمی‌توان به طور قطعی نظر داد که عملکرد اقتصادی روسیه در ایران صرفاً سیاسی بوده است. از جمله محصولات مهم کشاورزی ایران در دوره مورد تحقیق برنج بود که بیشتر در ایالات شمالی ایران کاشت می‌شد و بخش زیادی از آن در داخل مصرف و بخشی از آن نیز صادر می‌شد که تقریباً صادرات بیشتر برنج ایران به روسیه بود و فقط مقدار اندکی از آن را به عثمانی و انگلستان صادر می‌کردند. این محصول حدود ۱۴ درصد صادرات ایران به روسیه را شامل

می‌شد که اگر اصلاحات اساسی در زمینه کشت و برداشت برنج صورت می‌گرفت به طور یقین بازدهی بیشتر و در نتیجه درصد بیشتری از صادرات ایران را شامل می‌شد.

می‌توان گفت صادرات برنج به روسیه تابع شرایط زمانی مختلف بوده و با نوسانات زیادی در تجارت این محصول مواجه شده‌ایم. چنان‌که می‌بینیم در بیشتر مواقع، زمانی این محصول صادر می‌شد که مازاد داشته باشد؛ در غیر این صورت تجار اجازه خروج و انتقال برنج به روسیه را نداشتند. هرچند در کنار این محدودیت‌هایی که برای تجار به وجود می‌آمد، قاچاق این محصول از طریق زمینی و دریایی از ایران به روسیه دیده می‌شود. در زمان جنگ جهانی اول نیز به دلیل قحطی و کمبود آذوقه، صدور آن به روسیه ممنوع اعلام شد. انقلاب اکتبر روسیه نیز اقتصاد و روابط تجاری دو کشور را دچار رکود کرد که بدون شک تجارت برنج هم تحت تأثیر آن قرار گرفت. اما با همه این نواسانات، برنج یکی از اقلام مهم کشاورزی ایران بوده و به عنوان یکی از مهم‌ترین محصولات تجارتهای ایران و روسیه مطرح بوده که سال‌ها تجارت آن به روسیه تداوم داشته است.

منابع

- ابوت، کیث ادوارد (۱۳۹۶). شهرها و تجارت ایران در دوره قاجاریه. (سید عبدالحسین رئیس‌السادات، مترجم). تهران: امیرکبیر.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ): اسناد شماره ۱۳۳۰/۴۲/۳ق؛ ۱۳۱۱/۲۳/۱۱؛ ۱۳۳۰/۴۲/۳ق؛ ۱۳۳۳/۳۰/۱ق؛ ۱۳۲۷/۱۲/۲ق؛ ۱۳۲۷/۱۲/۲۸ق؛ ۱۳۲۷/۵۲/۳۵ق؛ ۱۳۲۷/۲۵/۱ق؛ ۱۳۳۲/۳۰ق؛ ۱۳۲۹/۶۱/۸ق؛ ۱۳۳۰/۲۰/۱ق؛ ۱۳۳۰/۲۰/۱۲ق؛ ۱۳۳۰/۴۲/۳ق

سپهر، عبدالحسین خان (۱۳۸۶). مرآت الوقایع مظفری. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب.

عظیمی دوبخشری، ناصر (۱۳۸۱). تاریخ تحولات اجتماعی - اقتصادی ایران، رشت: گیلکان.

عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار. (یعقوب آژند، مترجم) تهران: گستره.

فراهانی، حسن (۱۳۸۵). روزشمار تاریخ معاصر ایران. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

فرانسیس مکنزی، چارلز (۱۳۵۹). سفرنامه شمال. ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی). تهران: گستره.

فومنی گیلانی، عبدالفتاح (بی تا). تاریخ گیلان. تصحیح منوچهر ستوده. [تهران]: بنیاد فرهنگ ایران.

کاتف، فدت آفاناسی یویچ (۱۳۵۶). سفرنامه کاتف. (محمدصادق همایونفرد، مترجم). ویرایش عبدالعلی سیاوشی. تهران: کتابخانه ملی ایران

کاظم زاده، حسین (۱۳۷۱). روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ (پژوهشی درباره امپریالیسم). تهران: انقلاب اسلامی.

کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). ایران و قضیه‌ی ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی فرهنگی

کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۷۳). ایران و قضیه‌ی ایران. ترجمه علی جواهرکلام. تهران: ابن سینا.

لاکهارت، لارنس (۱۳۸۰). انقراض سلسله صفویه. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: علمی فرهنگی.

لیتن، ویلهلم (۱۳۶۷). از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی (۱۹۱۹-۱۸۶۰ م). ترجمه مریم میراحمدی. تهران: انتشارات معین.

مجد، محمدقلی (۱۳۸۷). قحطی بزرگ (۱۲۹۸-۱۲۹۶ ش/ ۱۹۱۹-۱۹۱۷). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

مفخم پایان، لطف الله (۱۳۷۵). دریای خزر. ترجمه جعفر خمami زاده. رشت: هدایت.

۱۳۳۵/۶۵/۱۰ ق؛ ۱۳۳۵/۴۶/۲۰ ق؛ ۱۳۳۵/۶۵/۱۰ ق؛ ۱۳۳۶/۶۵/۳ ق.

انتنر، مروین (۱۳۶۹). روابط بازرگانی روس و ایران (۱۸۲۸-۱۹۱۴). ترجمه احمد توکلی. تهران: موقوفات دکتر ایرج افشار یزدی.

انصاری رنانی، قاسم؛ کرمانی، قنبرعلی (۱۳۸۰). تجارت در دوره قاجاریه، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

بوهرلر، آکساندر (۱۳۸۹). سفرنامه و جغرافیای گیلان و مازندران. به کوشش م. پ جکتاجی. رشت: گیلکان.

بینا، علی اکبر (۱۳۴۸). تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران. (ج ۱). تهران: دانشگاه تهران.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). ایران و ایرانیان. (کاووس جهانداری، به کوشش). تهران: خوارزمی.

تاجبخش، احمد (۱۳۶۲). سیاست‌های استعماری روسیه تزاری، انگلیس و فرانسه در ایران (در نیمه اول قرن ۱۹). تهران: اقبال.

جکسن، آبراهام ولتاین آبرامز (۱۳۸۷). سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال. (منوچهر امیری و فریدون بدره ای، مترجم). تهران: علمی فرهنگی.

جمال زاده، محمد علی (۱۳۸۴). گنج شایگان. تهران: سخن.

دلمانی، هانری رنه د (۱۳۷۸). از خراسان تا بختیاری. (غلامرضا سمیعی، مترجم). (ج ۱). تهران: طاوس.

رابینو، یاسنت لویی (۱۳۵۷). ولایات دارالمرز ایران: گیلان. (جعفر خمami زاده، مترجم). تهران: بنیاد فرهنگ ایران

رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۱). اقتصاد ایران. تهران: نی.

رشیدی، علی (۱۳۸۶). تحولات صد ساله اقتصاد ایران در سایه روابط بین المللی. تهران: روزنه کار.

روزنامه اتحاد، شماره ۲۲۴، ۳

سیف، احمد (۱۳۷۳). اقتصاد ایران در قرن ۱۹. تهران: چشمه.